



حسادت زندانی کردن روح است / مومن غبطه می خورد ولی منافق حسد می ورزد

یک عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با بیان اینکه درمان ریشه ای حسادت این است که به مرور زمان با استمراری، فرد آنقدر تلاش کند...

یک عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با بیان اینکه درمان ریشه ای حسادت این است که به مرور زمان با استمراری، فرد آنقدر تلاش کند که بتواند ریشه حسادت در وجودش را بشکند یعنی حسادتی در وجودمان ایجاد نشود تا به درمان آن بپردازیم، گفت: پیامبر(ص) فرموده اند: مومن غبطه می خورد ولی منافق حسد می ورزد. این تعریف صریح و روشنی از حسد و غبطه است.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد کاویانی عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد اینکه ریشه های روانی حسادت به کجا بر می گردد و تعریف اسلام از حسادت چیست؟، گفت: در متون دینی ما به تفصیل به این مسائل پرداخته شده است. در کتاب محبۃ البیضاء در جلد پنجم از صفحه 330 تا 350 مرحوم فیض کاشانی به مسئله حسادت پرداخته است. آیات و روایات و استدلالهای مختلفی مطرح شده است که اگر کسی علاقه مند باشد می تواند به آنها و منابع دیگر رجوع کند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تصریح کرد: حسد یعنی کسی یک نعمتی دارد ولی حاسد (حسد ورزنده) دوست دارد و می خواهد که آن نعمت از محسود زایل شود. غبطه نقطه مقابل حسد است یعنی فرد تلاش می کند آن نعمتی که آن شخص دارد او هم از آن برخوردار شود. پیامبر(ص) فرموده اند: مومن غبطه می خورد ولی منافق حسد می ورزد. این تعریف صریح و روشنی از حسد و غبطه است.

وی افزود: در روانشناسی غربی از حسادت به عنوان یک اختلال روانی یاد نمی شود اما در فضای اسلامی به راحتی می توانیم حسد را یک اختلال روانی ذکر کنیم. زیرا غربی ها بر این باورند که تا زمانی که رفتار روانی ای که فرد را تحت تأثیر قرار ندهد یا او را نشانه نگیرد اختلال به حساب نمی آید؛ ولی در مفاهیم دینی حسد یک ناهنجاری رفتاری محسوب می شود. یعنی انسان مسلمان باید خالی از حسد و کینه و عجب و ریا و تکبر باشد. رفتار و کنش ورزی فردی و اجتماعی شخص حسود آسیب می بیند یعنی همان معیاری که غربی ها از اختلالات روانی برای فرهنگ خودشان دارند در فرهنگ دینی ما برای حسد و امثال آن هم صدق می کند.

کاویانی تصریح کرد: چند عامل باعث ایجاد حسادت در درون انسان می شود. یکی اینکه شخص ممکن است نسبت به فرد دیگری کینه و خصومت داشته باشد؛ دشمنی اقتضاء می کند که به هر شکلی که می تواند آسیبی به محسود برساند و آرزوی آسیب دیدن او را داشته باشد. یکی از مفاهیمی که آن آسیب را برای فرد تأمین می کند همین مفهوم حسادت است.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه بیان کرد: عامل دیگر حسادت عزت خواهی است. الزاماً این طور نیست که با شخص محسود دشمنی داشته باشیم اما می ترسیم از اینکه محسود به واسطه آن نعمتش، دیگر ما را تحویل نگیرد. اصل عزت خواهی امری معقول و درست است اما اینکه از یک عامل اشتباه یعنی حسد بخواهیم آنرا تأمین کنیم این مسئله اشتباه است.

این محقق و پژوهشگر علوم و معارف اسلامی یادآور شد: ریشه دیگر حسادت تکبر است. فردی که طبع و درونش خودبرتربین است نمی تواند ببیند که کسی بالاتر از او هم است. می خواهد همواره خودش بالاتر از دیگران باشد. یک ریشه دیگر حسادت این است که حاسد بر سر چیزی با محسود رقابت دارد برای مثال دو نفر هستند که خواستگار یک خانم هستند و اگر آن خانم یکی را قبول کند دیگری از ازدواج با او باز می ماند. ریشه دیگر حسادت حب ریاست است. فرض کنید شما در فنی یکه تاز هستید اگر کسی آنرا یاد بگیرد از جاه طلبی و یکه تازی شما کاسته می شود.

کاویانی در مورد آثار و پیامد حسادت هم گفت: امام علی(ع) فرمود: الحسد حبس الروح یعنی همان طور که جسم ما را زندانی می کنند و از بسیاری از کارها می مانیم دیگر نمی توانیم حرکتی داشته باشیم و ارتباطاتمان خیلی ضعیف می شود. روح ما هم که اصل وجودی مان است زندانش حسد است. کسی که گرفتار حسد باشد دیگر نمی تواند نوع دوستی، علم خواهی، ایثارگری و ... خود را بروز دهد. روحش زندانی است. روایت دیگری از امام علی(ع) است که می فرماید: الحسود شرور الامراض یعنی حسد بدترین بیماریهاست. روایت دیگری است که امام علی(ع) می فرماید: من حاسد یعنی ظالمی را ندیدم که شباهتش به مظلوم خیلی زیاد باشد مگر کسی که حسود است. این جمله برای فرد حسود بسیار تلخ و گزنده است. در واقع حسود ظالم وار به دیگران ظلم می کند اما ظلمش به گونه ای است که به خودش هم بر می گردد. یعنی خودش هم مظلوم واقع می شود.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه عنوان کرد: جمله دیگری از امیرالمؤمنین است که می فرماید ثمرۃ الحسد شقاء الدنیا و الآخرة؛ اگر کسی گرفتار حسد باشد شقاوت دنیا و آخرت را برای خودش حاصل می کند. روایت معروفی است که همه شنیده ایم الحسود لایسود: حسود هرگز نیاسود. روایت دیگری داریم صحه البدن أو الجسد من قله الحسد: یعنی اگر می خواهی بدنت سالم باشد حسادت را از وجودت کم کن. کسی که حسود است و حسادت را در درونش پرورش می دهد مرتب

گرفتار حسد است مثل این است دائماً از درون خودش را می خورد.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در مورد راه های درمان حسادت هم گفت: یک راه علمی و یک راه عملی برای از بین بردن حسادت داریم. راه علمی آن این است که بفهمیم و باور کنیم که این سه نکته را در درون خود جا بیندازیم یکی اینکه حسادت حسود هیچ نفعی برای حسود ندارد بلکه یک حالت درونی است که وجود او را می خورد، زیرا نمی تواند اقدامی بر علیه فرد محسود کند و آن نعمت را از او بگیرد حسود مثل آتشی که از درون زبانه می کشد می سوزد، یعنی اگر 24 ساعت شبانه روز حسود برای از بین رفتن نعمت محسود خیال پردازی کند نه تنها صدمه ای به محسود نمی رسد بلکه خودش را از بین می برد. دوم اینکه حسادت حسود مثل یک میکروبی است که مرتب از درون، حاسد را می خورد و فضا را پر از آلودگی و میکروب می کند. سوم اینکه از امام علی(ع) روایت شده که حسد ایمان فرد را می خورد آن چنان که آتش هیزم را می بلعد. هر لحظه که بیشتر حسودی کنیم یا به فکر آن باشیم هیزم بیشتری برای آتش مهیا کرده ایم دیگر ایمانی برایمان باقی نمی ماند.

کاویانی تصریح کرد: نیاز داریم برای اینکه از حسادت فاصله بگیریم این نکات را بدانیم. راه عملی هم این است که همه عواملی که به عنوان ریشه ها از آن یاد کردم ضد آنها عمل کنیم. یعنی اگر دیدیم کسی زیبا سخن می گوید از او پیش دیگران تعریف کنیم و به همه بگوییم که چقدر در سخن گفتن تواناست یا اگر رقابتی در گرفتن پستی با کسی داشتیم از تصاحب آن پست به نفع او انصراف دهیم. این راه ها روش درمان رفتاری است. اما درمان ریشه ای تر حسادت این است که به مرور زمان با یک استمراری فرد آن قدر تلاش کند که بتواند ریشه حسادت در وجودش را بشکند، یعنی حسادتی در وجودش ایجاد نشود تا به درمان آن بپردازیم.

وی در پایان سخنانش یادآور شد: حسادت می تواند از جنبه فردی به جنبه گروهی وارد شود یعنی گروهی آنقدر تصلب و تحجر و خشکی داشته باشند که برای فرد فرد خودشان شخصیت جدا و ویژه ای قائل نباشند و خودشان را محور گروه ببینند. حالا ممکن است گروه سیاسی یا ورزشی یا علمی یا شغلی باشند. اما در دین اسلام تکالیف کاملاً جنبه فردی دارند هیچ کس بار دیگری را به دوش نمی کشد و نمی تواند بگوید اینکه گروه این طور می خواهد من هم برای اینکه هم رنگ جماعت شوم یا چشم و هم چشمی داشته باشم این کار را بکنم. در تکلیف مداری حق نداریم تسلیم گروه و جمع شویم و در زندگی جمعی هم حق نداریم از گروه باز بمانیم. اگر در گروه یا خانواده و یا جامعه ای هستیم که در آنها اشکالاتی است تکلیف فردی اقتضاء می کند که تلاش کنیم آن اشکال را برطرف نمایم.